

عنوان مقاله:

بنیان های نشانه شناختی «هم سازه» و «ناسازه» در اندیشه رولان بارت

محل انتشار:

فصلنامه نقد ادبی، دوره 10، شماره 38 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 25

نویسنده:

مسعود آلگونه جونقانی - Assistant Professor, University of Isfahan

خلاصه مقاله:

رولان بارت در دوره دوم اندیشگری خود اساساً متوجه نقد امر بدیهی است. او معتقد است آنچه خود را به مثابه امر طبیعی، جهان شمول و بدیهی وانمود می کند، محصول فراشد طبیعی سازی است که به واسطه آن امر ایدئولوژیک در نهایت خود را به صورت امر بدیهی نشان می دهد. بر این اساس، محصول نهایی فراشد طبیعی سازی، به زعم بارت، هم سازه ای است که امر بدیهی از طریق آن متجلی می شود. در نتیجه بارت به منظور نقد امر بدیهی و نیز افشای تلویحات ایدئولوژیک هم سازه، برابرنهادی را با عنوان ناسازه مطرح می کند. ناسازه به مثابه سلاخی علیه فریب کاری زبان است که با اتکا به آن می توان به خوانش متفاوتی از متن روی آورد. با این همه، بارت هرگز تبیین روشنی از سازوکار نشانه شناختی هم سازه و ناسازه به دست نمی دهد. به همین سبب ممکن است تصور شود که چرخش نظری بارت متضمن نفی آموزه های پیشین او در باب نشانه است. بر این اساس، پژوهش حاضر می کوشد ضمن بررسی مبانی نشانه شناختی هم سازه و ناسازه، عواقب و نتایج منطقی این تلقی را بررسی کند. در پایان مشخص می شود که رویکرد بارت دوم اساساً متأثر از نقد روابط سلسله مراتبی حاکم بر معانی صریح و معانی ضمنی است.

کلمات کلیدی:

Barthes, semiotics, Doxa and Paradox, Connotation, denotation, بارت,

نشانه شناسی، هم سازه، ناسازه، معانی صریح، معانی ضمنی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1835945>

